

## ویژگی‌های شخصیتی، طرحواره‌های ناسازگار اولیه و کارکرد خانواده در زوجین متقاضی و غیرمتقاضی طلاق

### Personality Characteristics, Early Maladaptive Schema and Family Function in Couples Initiating for Divorce Versus Non-Initiating Ones

*M. Dehghani, Ph.D.*

دکتر محسن دهقانی

دانشیار دانشکده روان‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی

*N. Esmailian, Ph.D. student*

نسرين اسماعیلیان ✉

دانشجوی دکتری روان‌شناسی بالینی دانشگاه شهید بهشتی

دریافت مقاله: ۹۵/۲/۵

دریافت نسخه اصلاح شده: ۹۵/۱۰/۱۵

پذیرش مقاله: ۹۵/۱۰/۱۸

#### Abstract

Decision for divorce depends on various personal and interpersonal variables. Personality characteristics and early maladaptive schema as two individual, and family function, as an interpersonal variable would play crucial role in helping people to cope with problems in life. A sample of 285 couples (147 initiator, and 138 non-initiator) were recruited in the family courts, and residential districts in Tehran. They completed a battery of questionnaire including NEO (five factor personality questionnaire), short form of early maladaptive schema questionnaire (YSR), and McMaster family assessment device (FAD).

#### چکیده

تصمیم به طلاق به متغیرهای فردی و بین فردی بستگی دارد. ویژگی‌های شخصیتی و طرحواره‌های ناسازگار اولیه عوامل فردی مهمی هستند که در کنار کارکرد خانواده به عنوان یک عامل بین فردی در کنار آمدن با مشکلات زندگی نقش مهمی ایفا می‌کنند و می‌توانند تعیین کننده گرایش یا عدم گرایش زوجین به سمت طلاق باشند. نمونه پژوهش ۲۸۵ نفر از زوجین متقاضی طلاق (۱۴۷ نفر) و عادی (۱۳۸ نفر) بودند که به شیوه نمونه‌گیری هدفمند از مناطق مسکونی و دادگاه‌های خانواده شهر تهران انتخاب شده، و پرسشنامه‌های ویژگی‌های شخصیتی، طرحواره‌های ناسازگار اولیه، و کارکرد خانواده را تکمیل کردند.

✉Corresponding author: Faculty of Psychology, Shahid Beheshti University, Velenjak, Tehran, Iran. Email: [esmailian89@yahoo.com](mailto:esmailian89@yahoo.com)

✉ نویسنده مسئول: نویسنده مسئول: تهران، ولنجک، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده روان‌شناسی  
پست الکترونیکی: [esmailian89@yahoo.com](mailto:esmailian89@yahoo.com)

Groups were matched based on age, education level, social economic status, and years of marriage. Results indicated statistical significant differences between two groups in personality characteristics (neuroticism, openness to new experiences, agreeableness and conscientiousness) early maladaptive schemas (emotional deprivation, rejection, distrust, pessimism and emotional inhibition), and family function (problem solving, roles, and behavioral control). The result of regression logistic analysis showed that 34 to 45 percent of dependent variable predicted by these 12 independent variable. As such, it seems that there is a need to attend the factors would play a role both at primary prevention level and secondary level that psychologists and counselors could consider when providing mental health services.

**Keywords:** Personality, Early maladaptive schemas, Family Function, divorce.

نتایج نشان داد که دو گروه در طرحواره‌های ناسازگار اولیه (محرومیت هیجانی، رهاشدگی و طرد، بی‌اعتمادی، بدبینی و بازداری هیجانی)، ویژگی‌های شخصیتی (روان رنجور خوبی، تجربه‌گرایی، توافق پذیری، و با وجدان بودن)، و کارکرد خانواده (حل مسئله، نقش‌ها، و کنترل رفتار) با یکدیگر تفاوت دارند. تحلیل رگرسیون لجستیک نیز نشان داد که ۳۴ تا ۴۵٪ تقاضای طلاق توسط خرده مقیاسهای فوق تبیین می‌شود. به نظر می‌رسد که توجه به چنین متغیرهایی در پیشگیری اولیه و ثانویه نقش مهمی داشته و لازم است که روان‌شناسان و مشاوران در محیط‌های بالینی و مشاوره‌ای به این متغیرها توجه کنند.

**کلیدواژه‌ها:** شخصیت، طرحواره‌های ناسازگار اولیه، کارکرد خانواده، طلاق.

## مقدمه

ازدواج به عنوان مهم‌ترین رفتار اجتماعی برای دستیابی به نیازهای عاطفی و کسب امنیت همواره مورد توجه همه روان‌شناسان، مشاوران و سایر متخصصان بهداشت روان قرار داشته است (دای<sup>۱</sup>، ۲۰۰۳). ازدواج رابطه‌ای پیچیده، ظریف و پویا است. وجود یک خانواده مستحکم، گرم، صمیمی و دارای احترام متقابل یکی از پیامدهای ازدواج موفق است که می‌تواند سلامت جسم و روان، راحتی، آرامش و ایمنی همسران و اعضای خانواده را در پی داشته باشد (پناهی‌فر، یوسفی و امانی<sup>۲</sup>، ۲۰۱۴). اگر هر یک از زوجین به دلایلی بعد از ازدواج نتوانند با آرامش به زندگی در کنار یکدیگر ادامه دهند و از همدیگر جدا شده و طلاق بگیرند، پیامدهای نامطلوب و چالش‌های زیادی در انتظار آن‌هاست که بر سلامت جسم و روان، احساس امنیت، اعتماد و کیفیت زندگی آن‌ها در

آینده اثر می‌گذارد (آماتو<sup>۳</sup>، ۲۰۱۰). بر اساس آمار سازمان ثبت احوال کشور<sup>۴</sup> (۱۳۹۴)، نرخ رشد طلاق از ۲٪ در سال ۸۳، به ۱۳٪ در سال ۸۸ رسیده و روز به روز نیز در حال افزایش است؛ به گونه‌ای که میزان طلاق در سال ۸۹ نسبت به سال قبل از آن، ۹/۱٪، در سال ۹۳ نسبت به مدت مشابه آن در سال ۹۲، ۱۰/۵٪ و در ۹ ماهه اول سال ۹۴ نسبت به سال ۹۳، ۷/۴٪ افزایش داشته است. آخرین آمار و ارقام منتشرشده در مورد طلاق در ایران، نگران‌کننده است. سیر صعودی این پدیده در کشورمان به گونه‌ای بوده که در حال حاضر، از هر ۴/۳ ازدواج یک مورد به طلاق می‌انجامد. با افزایش سریع طلاق در ۳۰ سال اخیر، پژوهشگران و روان‌شناسان بیش از پیش به اهمیت این واقعه پراسترس و علل ایجادکننده آن در زندگی زناشویی پی برده‌اند.

تصمیم به طلاق نتیجه فشار درونی شدیدی است که ممکن است به علل متنوع و گوناگونی برای زوجین اتفاق بیفتد (یونگ و لونگ<sup>۵</sup>، ۱۹۹۸). طلاق از دیدگاه علی، در نوع خود بی‌نظیر است. پژوهش‌گران معتقدند عوامل گوناگونی در سطوح فرد، خانواده و جامعه به تفکیک و نیز در تعامل با یکدیگر بر رابطه زوجین اثر گذاشته و ممکن است منجر به گرایش به سمت طلاق شوند (آماتو، ۲۰۱۰). از جمله این عوامل که در پژوهش حاضر مورد بررسی قرار می‌گیرند، می‌توان به ویژگی‌های شخصیتی، طرحواره‌های ناسازگار اولیه و کارکرد خانواده اشاره کرد. ویژگی‌های شخصیتی و طرحواره‌های ناسازگار اولیه عوامل فردی مهمی هستند که در کنار کارکرد خانواده به عنوان یک عامل بین‌فردی در چگونگی کنار آمدن هر یک از زوجین با استرس و مشکلات زندگی نقش مهمی ایفا می‌کنند و می‌توانند تعیین‌کننده سالم یا ناسالم بودن یک رابطه و گرایش زوجین به سمت طلاق یا به سمت حل مسئله و خلق یک زندگی بدون تعارض باشند (دوروس، هانزال، و سگریان<sup>۶</sup>، ۲۰۱۱؛ پرونچر، بیگن، گیروارد، ترامبلی، بوون و لکسیوکس<sup>۷</sup>، ۲۰۰۸).

شخصیت افراد یکی از عوامل فردی مهم و تعیین‌کننده است که در روابط بین فردی نقش مهمی ایفا می‌کند. شخصیت الگوی اختصاصی و متمایز هیجان و رفتار است که بر شیوه تعامل فرد با محیط فیزیکی و اجتماعی خود اثر دارد. برای توصیف شخصیت هر فرد معمولاً به ویژگی‌های شخصیتی او اشاره می‌شود. مدل پنج‌عاملی شخصیت یکی از نظریه‌های مطرح در خصوص تحلیل عوامل شخصیتی است (فارنهام<sup>۸</sup>، ۲۰۰۸). پژوهش‌ها نشان داده‌اند که ویژگی‌های شخصیتی می‌توانند تأثیرات پایداری بر روابط زناشویی داشته باشند (شاه‌مرادی، فاتحی‌زاده و احمدی<sup>۹</sup>، ۱۳۹۰). هم‌چنین برخی از ویژگی‌های شخصیتی، تنش‌ها و تعارضات را بین زوجین افزایش می‌دهند و تداوم زندگی زناشویی را تهدید می‌کنند (بوچارد، لوسیر و سبورین<sup>۱۰</sup>، ۱۹۹۹).

هرچند پژوهش‌های گوناگون، عوامل مختلفی را در بروز تعارض و گرایش به سمت طلاق دخیل می‌دانند؛ اما یک عامل مشترک که در اغلب پژوهش‌ها نیز به آن اشاره شده است، شناخت‌ها هستند. شناخت‌ها دربرگیرنده نگرش‌ها، تفکرات و طرحواره‌ها<sup>۱۱</sup> است (دامیترسکو و روسو<sup>۱۲</sup>، ۲۰۱۲).

طرحواره‌ها، باورها و احساسات مهمی در مورد خود و محیط هستند که افراد آن را بدون چون و چرا پذیرفته‌اند. طرحواره‌های ناسازگار اولیه<sup>۱۳</sup> الگوها یا درون‌مایه‌های عمیق و فراگیری هستند که از خاطرات، هیجان‌ها، شناخت‌واره‌ها و احساسات بدنی تشکیل شده‌اند، در دوران کودکی یا نوجوانی شکل گرفته‌اند، در سیر زندگی تداوم دارند، درباره خود و رابطه با دیگران هستند و به شدت ناکارآمدند (یانگ و برون<sup>۱۴</sup>، ۲۰۰۱). پژوهش‌ها نشان داده‌اند که بین طرحواره‌های ناسازگار اولیه با صمیمیت و تعارض زناشویی ارتباط معناداری وجود دارد (فلاح‌چای، زارعی و نورمندی‌پور<sup>۱۵</sup>، ۲۰۱۴). به عبارت دیگر طرحواره‌های ناسازگار اولیه احتمال گرایش به طلاق را در هنگام مواجهه با رویدادهای چالش‌زای زندگی پیش‌بینی می‌کنند (یوسفی<sup>۱۶</sup>، ۱۳۹۰).

طرحواره‌ها موجب سوگیری در تفسیرهای زوجین از رویدادها می‌شوند و این سوگیری‌ها در آسیب‌شناسی روانی زوجین به صورت سوءتفاهم‌ها، نگرش‌های تحریف‌شده، گمانه‌های نادرست، هدف‌ها و چشم‌داشت‌های غیر واقع‌بینانه خود را نشان می‌دهند (پاسکال، کرسستین و جین<sup>۱۷</sup>، ۲۰۰۸) و در گرایش زوجین به سمت طلاق نقش دارند. یکی دیگر از عواملی که به شکل‌گیری تعارضات زناشویی و گرایش به سمت طلاق منجر می‌شوند، کارکرد خانواده است (آلکرنای<sup>۱۸</sup>، ۲۰۱۰). کارکرد خانواده، تلاش مشترکی برای برقراری و حفظ تعادل در خانواده است (ثنایی‌ذاکر<sup>۱۹</sup>، ۱۳۷۹). کارکرد خانواده به توانایی در هماهنگی با تغییرات، حل تضادها و تعارض‌ها، همبستگی بین اعضا و موفقیت در اعمال الگوهای انضباطی، رعایت حد و مرز بین افراد و اجرای مقررات و اصول حاکم بر این نهاد با هدف حفاظت از کل نظام خانواده گفته می‌شود. کارکرد خانواده را می‌توان در ابعاد مختلف نظیر حل مسئله، ارتباط، نقش‌ها، همراهی عاطفی، آمیختگی عاطفی و کنترل رفتار بررسی کرد. اگر کارکرد خانواده به گونه‌ای باشد که به ایجاد جوی متعارض و به دور از رفتارهای مثبت منجر گردد؛ به گونه‌ای که هر یک از زوجین از آن عضو خانواده بودن رضایت نداشته باشند، از آن سودی نبرند و در آن بافت احساس آرامش نکنند، احتمال بروز تعارضات زناشویی و گرایش به سمت طلاق بیشتر است (بخشی‌پور، اسدی، کیانی، شیرعلی‌پور، احمددوست<sup>۲۰</sup>، ۱۳۹۱).

پس با توجه به تمام مواردی که گفته شد، علل فردی و خانوادگی گرایش همسران به سمت طلاق به تفکیک در پژوهش‌ها مورد بررسی قرار گرفته، اما با توجه به بررسی‌های پژوهشگر، پژوهشی که ترکیبی از این عوامل را در کنار یکدیگر و روی یک نمونه واحد از زوجین متقاضی و غیرمتقاضی طلاق انجام داده باشد، وجود ندارد؛ بنابراین پژوهشگر در پژوهش حاضر درصدد بررسی این مسئله برآمد که آیا بین ویژگی‌های شخصیتی، طرحواره‌های ناسازگار اولیه و کارکرد خانواده در زوجین متقاضی و غیرمتقاضی طلاق تفاوت وجود دارد؟ هم‌چنین سهم این عوامل در پیش‌بینی گرایش به سمت طلاق چقدر بوده است؟

## روش

پژوهش حاضر از نوع علی - مقایسه‌ای و نیز همبستگی است. جامعه آماری پژوهش حاضر کلیه زوجین متقاضی و غیرمتقاضی طلاق در مناطق پنج‌گانه شهر تهران بود که تعداد ۲۸۵ زوج (۱۴۷ زوج متقاضی و ۱۳۸ زوج غیرمتقاضی طلاق) از آنان به شیوه نمونه‌گیری تصادفی از میان جامعه پژوهش انتخاب شدند. منطق انتخاب حجم نمونه این بود که به ازای هر خرده‌مقیاس موجود در پرسش‌نامه‌های مورد استفاده در پژوهش (۲۶ خرده‌مقیاس)، حدود ۱۰ نفر به عنوان نمونه در نظر گرفته شد (تاباکنیک و فیدل<sup>۲۱</sup>، ۲۰۰۷). ازدواج به صورت رسمی و زیر یک سقف، گذشت حداقل یک سال از زندگی مشترک، تحصیلات حداقل دیپلم به منظور کسب اطمینان از درک سؤالات و رضایت برای شرکت در پژوهش ملاک‌های ورود به پژوهش بودند. چنانچه یکی از شرایط ذکر شده وجود نداشت، فرد برای ورود به نمونه انتخاب نمی‌شد. برای جمع‌آوری داده از گروه زوجین غیرمتقاضی طلاق، ابتدا از شمال، جنوب، شرق، غرب و مرکز تهران چهار منطقه به صورت تصادفی تعیین و سپس از هر منطقه نیز چهار کوچه به صورت تصادفی برای توزیع پرسش‌نامه‌ها انتخاب شد. پژوهشگر با مراجعه به درب منازل و در صورت برآورده شدن ملاک‌های ورود، پرسش‌نامه‌ها را برای تکمیل در اختیار افراد قرار می‌داد. برای جمع‌آوری داده از گروه متقاضی طلاق نیز با مراجعه به دادگاه‌های خانواده مناطق مختلف شهر تهران و در صورت برآورده شدن ملاک‌های ورود افراد متقاضی طلاق مراجعه‌کننده به دادگاه، پرسش‌نامه‌ها برای تکمیل در اختیار آن‌ها قرار گرفت. هم‌چنین به منظور رعایت اصول اخلاقی از آزمودنی‌ها درخواست گردید که رضایت‌نامه کتبی را امضا نموده و با رضایت کامل و با آگاهی از این‌که اطلاعات آن‌ها محرمانه باقی خواهد ماند، در پژوهش شرکت کنند. بدین ترتیب نمونه پژوهش حاضر، پرسش‌نامه‌های ویژگی‌های شخصیتی، طرحواره‌های ناسازگار اولیه و کارکرد خانواده را تکمیل کردند. بعد از تکمیل پرسش‌نامه‌ها، داده‌های به دست آمده با روش تحلیل واریانس چندمتغیره و تحلیل رگرسیون لجستیک با استفاده از نرم‌افزار SPSS تحلیل شد. ابزارهای به کار رفته در پژوهش حاضر به شرح زیر است:

**پرسش‌نامه پنج‌عاملی شخصیت<sup>۲۲</sup> (NEO-FFI):** برای سنجش پنج عامل بزرگ شخصیت از فرم کوتاه پرسش‌نامه نئو استفاده شد. این پرسش‌نامه در واقع کوتاه شده پرسش‌نامه ۲۴۰ سؤالی (NEO-PI-R) با ۶۰ سؤال است که کاستا و همکاران<sup>۲۳</sup> در سال ۲۰۰۴ برای ارزیابی پنج ویژگی شخصیتی روان‌رنجورخویی، برون‌گرایی، تجربه‌گرایی، باوجدان بودن و توافق‌پذیری تدوین کردند و بر اساس مقیاس پنج‌درجه‌ای لیکرت از کاملاً مخالف تا کاملاً موافق نمره‌گذاری می‌شود. ضریب اعتبار بازآزمایی این پرسش‌نامه نیز بین ۰/۷۵ تا ۰/۸۳ گزارش شده است. گروسی‌فرشی<sup>۲۴</sup> (۱۳۸۰) نیز ضرایب همسانی درونی را برای هر یک از عوامل روان‌رنجورخویی، برون‌گرایی، تجربه‌گرایی، باوجدان

بودن و توافق‌پذیری به ترتیب ۰/۸۶، ۰/۷۳، ۰/۶۵، ۰/۸۷ و ۰/۶۸ گزارش کرد. همچنین در این پژوهش ضرایب پایایی به روش آلفای کرونباخ بین ۰/۶۸ تا ۰/۷۶ به دست آمد.

**پرسش‌نامه طرحواره‌های یانگ<sup>۲۵</sup> (YSQ):** پرسش‌نامه طرحواره‌های ناسازگار اولیه یک ابزار خودگزارش‌دهی برای سنجش طرحواره‌هاست که به بررسی طرحواره‌ها یا باورهای ناسازگار اولیه می‌پردازد. باورهای ناسازگار اولیه عمیق‌ترین سطح شناخت هستند که در دوران کودکی به وجود آمده‌اند و به زندگی بزرگسالی راه یافته‌اند و تا حد زیادی ناکارآمدند. نسخه اصلی پرسش‌نامه طرحواره‌های ناسازگار اولیه ۲۳۲ سؤالی است. این پرسش‌نامه یک فرم کوتاه نیز دارد که در سال ۱۹۹۸ توسط یانگ ساخته شد. فرم کوتاه این پرسش‌نامه شامل ۷۲ سؤال لیکرت شش درجه‌ای از کاملاً در مورد من صدق می‌کند (۶)، تا اصلاً در مورد من صدق نمی‌کند (۱) است. پایایی مقیاس بر اساس آلفای کرونباخ برای کل آزمون ۰/۹۶۴ به دست آمده است که نشان‌دهنده روایی بالای آن است. ضرایب آزمون - بازآزمون بین ۰/۵ تا ۰/۸۲ به دست آمد. روایی واگرایی ۰/۹ و روایی همگرایی ۰/۸۵ نشان‌دهنده ویژگی‌های روان‌سنجی مطلوب آن است. ثبات درونی محاسبه شده برای خرده‌مقیاس‌های پرسش‌نامه از ۰/۶۵ تا ۰/۹ بود. در نمونه ایرانی نیز، همسانی درونی برای ۱۵ عامل به وسیله ضریب آلفای کرونباخ در دامنه ۰/۶۲ تا ۰/۹ به دست آمد که نشان‌دهنده پایایی مطلوب آن است (دیوانداری، آهی، اکبری و مهدیان، ۲۶، ۱۳۸۸).

**پرسش‌نامه کارکرد خانواده<sup>۲۷</sup> (FAD):** ابزار سنجش کارکرد خانواده یک ابزار خودسنجی ۶۰ سؤالی است که برای اندازه‌گیری ابعاد شش‌گانه مدل مک‌مستر از کارکرد خانواده شامل حل مسئله (توانایی خانواده در حل و فصل مشکلات برای حفظ کارکرد مؤثر خانواده)، ارتباطات (تبادل کلامی اطلاعات درون خانواده)، نقش‌ها (الگوهای تکرارشونده رفتار که اعضای خانواده با آن‌ها کارکرد خانوادگی را به انجام می‌رسانند)، پاسخ‌گویی عاطفی (کیفیت، کمیت و تناسب پاسخ‌های خانواده به محرک‌های عاطفی)، آمیختگی عاطفی (ابراز علاقه و اهمیت دادن خانواده به فعالیت‌های خاص اعضای خود) و کنترل رفتار (الگویی که خانواده برای مدیریت رفتار در سه حوزه خطر جسمی، نیازها و سائق‌های روان‌شناختی و رفتار اجتماعی) ساخته شده است و یک ارزیابی از کارکرد کلی نیز به دست می‌دهد. نمره بالاتر در هر بعد نشان‌دهنده کارکرد مسئله‌ساز خانواده است (اپستین، چن و بیدر - کمجو<sup>۲۸</sup>، ۲۰۰۵). نجاریان<sup>۲۹</sup> (۱۳۷۴) آلفای کرونباخ برای کارکرد کلی را ۰/۹۴ و برای خرده‌مقیاس کارکرد خانواده ۰/۹۰ به دست آورده است. اعتبار بازآزمایی پرسش‌نامه ۰/۸۲ بود.

## یافته‌ها

نمونه پژوهش شامل ۱۴۷ نفر از زوجین متقاضی طلاق و ۱۳۸ نفر از زوجین عادی (غیرمتقاضی طلاق) بود که از نظر تعداد سال‌های زندگی، وضعیت اجتماعی - اقتصادی، تحصیلات و سن هم‌تا

شده بودند. نتایج آزمون مجذور خی نشان داد که دو گروه زوجین متقاضی و غیرمتقاضی طلاق در متغیرهای وضعیت اجتماعی - اقتصادی ( $p < 0/05$  و  $\chi^2 = 1/1$ ) و تحصیلات ( $p < 0/05$  و  $\chi^2 = 1/67$ ) همتا بودند. همچنین نتایج آزمون t مستقل نشان داد که بین دو گروه مذکور از نظر سن ( $p < 0/05$ ) و  $t = 2/11$  و سال های زندگی ( $p < 0/05$  و  $t = 1/09$ ) هیچ تفاوت معناداری وجود ندارد. شاخص های توصیفی مربوط به متغیرهای پژوهش در هر دو گروه متقاضی و غیرمتقاضی طلاق در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱: آماره های توصیفی متغیرهای پژوهش در گروه های متقاضی و غیرمتقاضی طلاق

گروه غیرمتقاضی طلاق		گروه متقاضی طلاق		گروه غیرمتقاضی طلاق	گروه متقاضی طلاق
انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین		
۹/۰۴	۱۲/۵۳	۱۱/۵۳	۲۲/۷	محرومیت هیجانی	طرحواره های ناسازگار اولیه
۵/۳۴	۱۱/۶۷	۷/۱۴	۱۹/۶۲	رهاشدگی و طرد	
۴/۳۷	۹/۴۴	۶/۳۶	۱۹/۰۲	بی اعتمادی و بد رفتاری	
۵/۸	۱۷/۷۸	۶/۳۸	۱۹/۸۴	انزوا	
۳/۱۹	۱۵/۱۲	۶/۰۵	۱۶/۴۳	نقص	
۵/۱۶	۱۰/۰۸	۶/۷۲	۱۹/۱۶	بدبینی	
۵/۴۳	۹/۴۴	۶/۴۸	۷/۹۸	وابستگی	
۵/۶۷	۱۴/۰۹	۶/۷	۱۳/۸۶	آسیب پذیری	
۶/۴۴	۱۳/۸۹	۴/۳۷	۱۴/۱۵	گرفتاری	
۴/۹۷	۱۸/۵۴	۵/۷۹	۱۷/۳۳	اطاعت	
۵/۵۷	۱۱/۹۹	۴/۷۳	۱۱/۰۹	ایثار	
۴/۸۹	۱۱/۱۲	۷/۵۳	۱۸/۱۲	بازداری هیجانی	
۵/۳۷	۱۶/۶۸	۳/۸۹	۱۸/۹۶	سرسختی	
۴/۹۸	۱۵/۹۲	۵/۵	۱۴/۲۲	بزرگ منشی	
۶/۱۳	۱۷/۷۳	۵/۳۶	۱۵/۹۸	خویشترداری	
۲/۱۳۲	۶۳/۲۴	۳۲/۰۳	۱۰۹/۹۴	روان رنجور خوبی	ویژگی های شخصیتی
۲۰/۹۸	۱۰۴/۴	۱۹/۳۴	۱۰۶/۳	برون گرایی	
۲۱/۵۷	۱۰۹/۵۶	۱۸/۶۴	۸۸/۳۴	باوجدان بودن	
۱۹/۱۷	۱۱۶/۱۱	۱۶/۳۳	۸۳/۶۶	تجربه گرایی	
۱۷/۷۹	۱۱۴/۹۹	۱۶/۰۷	۷۹/۹۱	توافق پذیری	کارکرد خانواده
۶/۵۷	۱۲/۳۷	۷/۱۵	۱۸/۱۲	حل مسئله	
۵/۳۳	۱۳/۹۹	۳/۸۹	۱۴/۶۶	ارتباطات	
۲/۳۳	۱۱/۹۹	۳/۸۷	۱۹/۶۷	نقش ها	
۵/۵۳	۱۷/۱۶	۴/۶۵	۱۶/۵۷	دلبستگی عاطفی	
۳/۷۹	۱۴/۹۱	۴/۹۹	۱۴/۶۵	آمیختگی عاطفی	
۳/۴۹	۱۳/۴۴	۶/۳۴	۱۹/۱۸	کنترل رفتار	
۷/۱۲	۱۲/۵	۶/۳۳	۱۷/۷۹	کارکرد کلی	

برای بررسی تفاوت ویژگی های شخصیتی، طرحواره های ناسازگار اولیه و کارکرد خانواده در دو گروه زوجین متقاضی و غیرمتقاضی طلاق از تحلیل واریانس چندمتغیری استفاده شد. یکی از پیش

فرض‌های تحلیل واریانس چندمتغیری، شرط برابری ماتریس کواریانس‌هاست که برای بررسی این مفروضه از آزمون ام‌باکس استفاده شد. نتایج این آزمون در هیچ یک از متغیرهای فوق تفاوت معناداری در ماتریس کواریانس‌ها نشان نداد ( $p < 0/005$ ). پیش‌فرض دیگر این تحلیل نیز همگنی واریانس خطاهاست که برای بررسی این مفروضه از آزمون لون استفاده شد. نتایج این آزمون نیز در هیچ یک از آزمون‌ها تخطی نشان نداد؛ لذا پیش‌فرض‌های انجام تحلیل واریانس چندمتغیره برقرار است. نتایج تحلیل واریانس چندمتغیره برای بررسی تفاوت دو گروه در متغیرهای پژوهش در جدول ۲ آمده است.

**جدول ۲: تحلیل واریانس برای بررسی تفاوت‌های دو گروه زوجین متقاضی و**

**غیرمتقاضی طلاق در متغیرهای پژوهش**

متغیرها	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	آماره F	معناداری	مجذورات انا
محرومیت هیجانی	۵۹۳/۳۳	۱	۵۹۳/۳۳	۲۲/۴۳	۰/۰۰۰۵	۰/۱۹
رهاشدگی و طرد	۳۲۱/۴۱	۱	۳۲۱/۴۱	۱۵/۰۹	۰/۰۰۳	۰/۱۱
بی‌اعتمادی	۷۸۹/۱۲	۱	۷۸۹/۱۲	۲۵/۵۷	۰/۰۰۰۱	۰/۳
انزوا	۱۰۸/۰۹	۱	۱۰۸/۰۹	۰/۱۹	۰/۵۶	-
نقص	۱۲۲/۱۲	۱	۱۲۲/۱۲	۰/۹۷	۰/۳۲	-
بدبینی	۵۵۱/۲۹	۱	۵۵۱/۲۹	۲۱/۱۹	۰/۰۰۰۱	۰/۲۱
وابستگی	۶۸/۱۷	۱	۶۸/۱۷	۲/۵۷	۰/۰۷۸	-
آسیب‌پذیری	۹۸/۹۹	۱	۹۸/۹۹	۲/۸۲	۰/۰۶۳	-
گرفتاری	۸۹/۱۳	۱	۸۹/۱۳	۰/۵۴	۰/۲۱	-
اطاعت	۷۳/۸۵	۱	۷۳/۸۵	۰/۶۹	۰/۴۴	-
ایثار	۶۵/۱۲	۱	۶۵/۱۲	۱/۱	۰/۱۹	-
بازداری هیجانی	۴۳۲/۶۵	۱	۴۳۲/۶۵	۱۴/۳۳	۰/۰۰۱	۰/۱۳
سرسختی	۷۸/۱۳	۱	۷۸/۱۳	۰/۱۲	۰/۶۷	-
بزرگ‌منشی	۹۶/۱۵	۱	۹۶/۱۵	۰/۴۳	۰/۲۳	-
خویش‌ن‌داری	۱۶/۷۹	۱	۱۶/۷۹	۰/۲۱	۰/۴۱	-
روان‌رنجورخویی	۲۶۹/۴۲	۱	۲۶۹/۴۲	۱۷/۱۳	۰/۰۰۰۱	۰/۲۹
برون‌گرایی	۹۸/۲۳	۱	۹۸/۲۳	۰/۰۹۴	۰/۱۵	-
باوجدان بودن	۱۹۸/۳۲	۱	۱۹۸/۳۲	۱۲/۲۴	۰/۰۰۷	۰/۱۳
تجربه‌گرایی	۳۴۱/۷۱	۱	۳۴۱/۷۱	۱۴/۹۵	۰/۰۰۱	۰/۱۷
توافق‌پذیری	۱۹۹/۲۳	۱	۱۹۹/۲۳	۱۲/۹۹	۰/۰۰۵	۰/۱۲
حل مسئله	۷۰/۱۱	۱	۷۰/۱۱	۲۳/۷۸	۰/۰۰۰۱	۰/۱۰
ارتباطات	۵۴/۱۴	۱	۵۴/۱۴	۲/۳۱	۰/۴۳	-
نقش‌ها	۵۴۳/۱۹	۱	۵۴۳/۱۹	۲۵/۱۲	۰/۰۰۰۱	۰/۱۷
پاسخ‌دهی عاطفی	۷۶/۹۸	۱	۷۶/۹۸	۹/۸۹	۰/۲	-
آمیختگی عاطفی	۱۰۱/۰۹	۱	۱۰۱/۰۹	۷/۷	۰/۲۶	-
کنترل رفتار	۳۲۶/۴۵	۱	۳۲۶/۴۵	۱۶/۵۹	۰/۰۰۰۱	۰/۲۲
کارکرد کلی	۴۶۵/۱۹	۱	۴۶۵/۱۹	۱۸/۸۶	۰/۰۰۰۱	۰/۱۸



همان‌گونه که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، در خرده‌مقیاس‌های محرومیت هیجانی، رهاشدگی و طرد، بی‌اعتمادی، بدبینی، بازداری هیجانی، روان‌رنجورخویی، باوجدان بودن، تجربه‌گرایی، توافق‌پذیری، حل مسئله، نقش‌ها، کنترل رفتار و کارکرد کلی خانواده بین زوج متقاضی و غیرمتقاضی طلاق تفاوت معنادار وجود داشت ( $p < 0/05$ ).

در نهایت برای بررسی سهم هر یک از متغیرهای طرحواره‌های ناسازگار اولیه، ویژگی‌های شخصیتی و کارکرد خانواده در پیش‌بینی تقاضای طلاق توسط زوجین، از تحلیل رگرسیون لجستیک استفاده شد که نتایج آن در جداول ۳ و ۵ ارائه شده است. در ابتدا نتایج ماتریس همبستگی نیز نشان داد که طرحواره‌های محرومیت هیجانی، رهاشدگی و طرد، بدبینی، بی‌اعتمادی و بازداری هیجانی از میان ۱۵ طرحواره؛ حل مسئله، نقش‌ها و کنترل رفتار از بین خرده‌مقیاس‌های کارکرد خانواده و ویژگی‌های شخصیتی روان‌رنجورخویی، باوجدان بودن، تجربه‌گرایی و توافق‌پذیری متغیرهایی هستند که قدرت پیش‌بینی طلاق را دارند. ضرایب تبیین مدل رگرسیون لجستیک در جدول ۳ آمده است.

جدول ۳: ضرایب تبیین مدل رگرسیون لجستیک

گام	ضریب تعیین اسنل و کاکس	ضریب تعیین نیجل و کرک
۱	۰/۲۱۶	۰/۲۵۷
۲	۰/۲۴۶	۰/۲۹۹
۳	۰/۲۶۶	۰/۳۲۵
۴	۰/۲۷۲	۰/۳۳۴
۵	۰/۲۷۷	۰/۳۴۱
۶	۰/۲۸۴	۰/۳۵۰
۷	۰/۲۹۲	۰/۳۶۱
۸	۰/۳۰۱	۰/۳۷۳
۹	۰/۳۱۳	۰/۳۸۳
۱۰	۰/۳۱۶	۰/۳۸۸
۱۱	۰/۳۲۱	۰/۴۰۴
۱۲	۰/۳۴۳	۰/۴۴۷

همان‌طور که در جدول ۳ نشان داده شده است، میزان ضریب تعیین اسنل و کاکس برابر ۰/۳۴ و ضریب تعیین نیجل و کرک برابر ۰/۴۵ است. این شاخص‌ها تفسیری همانند ضریب تعیین در رگرسیون ساده دارند، یعنی قدرت تبیین تغییرات متغیر وابسته (متقاضی یا غیرمتقاضی طلاق) را توسط متغیرهای مستقل نشان می‌دهند. به عبارت دیگر میزان تبیین تغییرات متغیر وابسته را توسط ۱۲ متغیر نشان می‌دهند؛ بنابراین تحلیل داده‌ها نشان داد که ۳۴ تا ۴۵٪ متغیر وابسته توسط

این ۱۲ متغیر تبیین می‌شود. همان‌طور که در جدول ۴ نشان داده شده است، این مدل رگرسیون برای تمام متغیرها به طور معناداری پایاست ( $p < 0.001$ ).

جدول ۴: نتایج تحلیل رگرسیون لجیستیک متغیرهای وارد شده در مدل رگرسیون

متغیرها	ضریب بتا	آماره والد	درجه آزادی	معناداری
بی‌اعتمادی	۰/۵۸۳	۲۹/۹۲	۱	۰/۰۰۰۱
روان‌رنجورخویی	۰/۵۶۷	۲۸/۸۹	۱	۰/۰۰۰۱
کنترل رفتار	۰/۵۵۳	۲۷/۷۷	۱	۰/۰۰۰۱
بدبینی	۰/۵۲۶	۲۵/۳۳	۱	۰/۰۰۰۱
محرومیت هیجانی	۰/۵۰۳	۲۲/۱۴	۱	۰/۰۰۰۵
نقش‌ها	۰/۴۸۵	۱۹/۸۶	۱	۰/۰۰۰۱
تجربه‌گرایی	۰/۴۶۹	۱۸/۹۹	۱	۰/۰۰۰۲
بازداری هیجانی	۰/۴۳۴	۱۸/۳۷	۱	۰/۰۰۰۸
حل مسئله	۰/۴۲۹	۱۷/۴۵	۱	۰/۰۰۱۲
رهاشدگی و طرد	۰/۴۲۵	۱۶/۷	۱	۰/۰۰۱۷
باوجدان بودن	۰/۴۰۹	۱۵/۷۶	۱	۰/۰۰۰۵
توافق‌پذیری	۰/۳۷۹	۱۴/۳۳	۱	۰/۰۰۱

### بحث و نتیجه‌گیری

هدف از پژوهش حاضر مقایسه ویژگی‌های شخصیتی، طرحواره‌های ناسازگار اولیه و کارکرد خانواده در زوجین متقاضی و غیرمتقاضی طلاق بود. نتایج نشان داد که طرحواره‌های ناسازگار اولیه در خرده‌مقیاس‌های محرومیت هیجانی، رهاشدگی و طرد، بی‌اعتمادی، بدبینی و بازداری هیجانی در زوجین متقاضی و غیرمتقاضی طلاق متفاوت است. این یافته با پژوهش‌های پورعباس<sup>۳۰</sup>، ۲۰۱۶؛ حاتمی و فدایی<sup>۳۱</sup>، ۲۰۱۵؛ جعفری‌ندوشن، زارع، حسینی، پورصالحی و زینی<sup>۳۲</sup>، ۲۰۱۵؛ منطری، مکوندی، و خواجه‌وند خوشلی<sup>۳۳</sup>، ۲۰۱۴؛ دامیترسکیو و روسو، ۲۰۱۲؛ همامسی<sup>۳۴</sup>، ۲۰۰۵ و استایلز<sup>۳۵</sup>، ۲۰۰۴ هماهنگ است. پژوهشگران معتقدند طرحواره‌های ناسازگار اولیه و باورهای ناکارآمد با طلاق، تعارضات زناشویی و روابط زناشویی آسیب‌دیده ارتباط دارد. زوجین متقاضی و غیرمتقاضی طلاق درجاتی از باورهای ناکارآمد و طرحواره‌های ناسازگار اولیه را در خود دارند؛ اما آنچه این زوجین را از هم متمایز می‌کند، میزان تأکید روی این باورها است (دامیترسکو و روسو، ۲۰۱۲). باورهای ناکارآمدی که افراد با ورود به رابطه با خود به همراه می‌آورند، خطر آشفتنگی رابطه و طلاق را، به خصوص در سال‌های نخست زندگی افزایش می‌دهد؛ به این صورت که طرحواره‌های هر یک از زوجین می‌تواند بر باورها و طرحواره‌های طرف مقابل تأثیر بگذارد (حاتمی و فدایی، ۲۰۱۵).

در تبیین ارتباط طرحواره‌های ناسازگار اولیه و تقاضای طلاق می‌توان گفت که طرحواره‌های ناسازگار اولیه به سوگیری در تفسیر رویدادها منجر می‌گردند. این سوگیری‌ها در آسیب‌شناسی

روانی بین زوجین خود را به صورت سوءتفاهم‌ها، نگرش‌های تحریف‌شده، فرض‌های نادرست و انتظارات غیرواقع‌بینانه نشان می‌دهد (اپستین و باکوم<sup>۳۶</sup>، ۱۹۹۶). این برداشت‌های نادرست بر ادراک‌ها و ارزیابی‌های بعدی زوج از زندگی مشترک اثر گذاشته و به تدریج زوجین را در چرخه‌ای از هیجانات ناخوشایند، تنش بین‌فردی، اجتناب و استفاده از راهبردهای مقابله‌ای ناکارآمد گرفتار کرده و احتمال گرایش به سمت طلاق را افزایش می‌دهد (فلاح‌چای و همکاران، ۲۰۱۴). بنابراین از آن‌جایی که طرحواره‌های ناسازگار اولیه ناکارآمد هستند، باعث ناخشنودی در روابط زناشویی شده و زمینه را برای جدایی و طلاق فراهم می‌سازند. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که طرحواره‌های ناسازگار اولیه همانند چارچوبی برای پردازش اطلاعات عمل کرده و بر واکنش‌های هیجانی افراد نسبت به دیگران و زندگی اثر می‌گذارند. به عبارت دیگر افرادی که تحت تأثیر طرحواره‌های ناسازگار اولیه از زندگی‌شان رضایت ندارند، به جنبه‌های منفی زندگی توجه بیشتری نشان داده و بیشتر تحت تأثیر حوادث منفی زندگی قرار می‌گیرند (یوسف‌نژاد شیروانی و پیوستگار<sup>۳۷</sup>، ۲۰۱۱).

به علاوه پژوهش‌ها مطرح کرده‌اند که زوجین دارای طرحواره‌های ناسازگار اولیه رهاشدگی/طرد، معتقدند روابطشان با افراد مهم زندگی از نظر هیجانی ثبات کمتری دارد، آن‌ها مدام به این موضوع می‌اندیشند که هر لحظه امکان دارد شریک زندگی‌شان آن‌ها را رها کرده و به فرد دیگری علاقه‌مند شود، یا زوجی که دارای طرحواره بی‌اعتمادی/بدرفتاری است، بر این باور است که با کوچک‌ترین فرصتی دیگران از او سوءاستفاده می‌کنند، گمان می‌کند که همسرش فردی بدرفتار و دروغگو است و از او سوءاستفاده می‌کند. زوجی که دارای طرحواره محرومیت هیجانی است، می‌اندیشد که نیازهای او به حمایت عاطفی، از سوی همسرش به اندازه کافی برآورده نمی‌شود. این افراد معمولاً سه نوع محرومیت از نظر محبت، همدلی و حمایت را تجربه می‌کنند که زمینه بروز اختلاف و به دنبال آن جدایی را فراهم می‌سازد. همسری با طرحواره ناسازگار بازداری هیجانی نیز به دلیل بازداری افراطی رفتار و احساسات خودانگیخته برای پرهیز از طرد شدن از سوی همسر از بروز خشم خودداری کرده، تکانه‌های مثبت را بیان نمی‌کند و احساس شرمساری دارد. این فرد تأکید افراطی بر عقلانیت و نادیده گرفتن هیجان‌ها داشته و برای رفتارهای خود قوانین سفت و سختی تدوین می‌کند؛ لذا ارتباط برقرار کردن توسط همسر با او سخت می‌شود و رابطه کم‌کم به سمت جدایی و طلاق پیش خواهد رفت. طرحواره ناسازگار منفی‌گرایی/بدبینی نیز با تمرکز عمیق و پیوسته بر جنبه‌های منفی زندگی (درد، مرگ، دلخوری و جدایی) و دست‌کم گرفتن جنبه‌های مثبت و خوش‌بینانه زندگی یا نادیده گرفتن آن‌ها همراه است. از ویژگی‌های این افراد، نگرانی مزمن، غر زدن یا بلا تکلیفی در روابط و زندگی است که موجب اختلافات زناشویی و از هم پاشیدن خانواده‌ها می‌شود. پس به طور کلی از آن‌جایی که طرحواره‌های ناسازگار اولیه، باورهای بنیادین و محکمی هستند که از دوران کودکی شکل گرفته‌اند و فرد با آن‌ها بزرگ شده است؛ لذا از ناکارآمد بودن‌شان آگاه نیست و برای حفظ‌شان

تلاش می‌کند؛ در نتیجه، در صورت بروز مشکل، کشمکش‌های بین زوجین افزایش می‌یابد و در صورت عدم بهره‌گیری زوجین از خدمات مناسب، احتمال گرایش به سمت طلاق افزایش خواهد یافت (یوسفی، ۲۰۱۰).

هم‌چنین نتایج نشان داد که مطابق با نظریه پنج‌عاملی شخصیت، بین زوجین متقاضی و غیرمتقاضی طلاق در خرده‌مقیاس‌های روان‌رنجورخویی، باوجدان بودن، تجربه‌گرایی و توافق‌پذیری تفاوت معناداری وجود دارد. این یافته با پژوهش‌های ویسر و ویگل<sup>۳۸</sup>، ۲۰۱۵؛ دوروس و همکاران، ۲۰۱۱؛ عسگری، حافظی و جمشیدی<sup>۳۹</sup>، ۱۳۸۹؛ فارنهام، ۲۰۰۸؛ راگ، رودبری، هاهلوگ و تورمایر<sup>۴۰</sup>، ۲۰۰۶؛ شاکلفورد، بسر و گوتز<sup>۴۱</sup>، ۲۰۰۸؛ و دانلان، کانگر و بریانت<sup>۴۲</sup>، ۲۰۰۴ در برخی خرده‌مقیاس‌ها همسو و در برخی خرده‌مقیاس‌ها ناهمسو است. هم‌چنین نتایج نشان داد که بین زوجین متقاضی و غیرمتقاضی طلاق در عامل برون‌گرایی هیچ تفاوت معناداری وجود نداشت که در مورد این عامل در پژوهش‌های مختلف نتایج متفاوتی به دست آمده است. این یافته با پژوهش‌های کنت و استفانی<sup>۴۳</sup> (۲۰۰۷)، دینر، اونکوک، ریچارد و اسمیت<sup>۴۴</sup> (۲۰۰۷) ناهمسو؛ و با پژوهش‌های بهروز و همکاران<sup>۴۵</sup> (۱۳۹۳) و عسگری و همکاران (۱۳۸۹) همسو است.

در تبیین این یافته می‌توان گفت ویژگی‌های شخصیتی همچون روان‌رنجورخویی و ناپایداری احساسی آسیب‌های دائمی به دنبال دارند که در چگونگی سازش‌یافتگی زوج یا تجربه‌های پرتنش تأثیر گذاشته و رضایت‌مندی از کل رابطه را به تدریج مخدوش خواهد کرد. راگ و همکاران (۲۰۰۶) نشان دادند که روان‌رنجورخویی و پرخاشگری در سرعت نزول اولیه کارکردهای زندگی زناشویی دخیل است. پژوهش‌های قبلی نشان می‌دهند که روان‌رنجورخویی با تعاملات منفی همبستگی مثبت دارد (دونلان و همکاران، ۲۰۰۴). از این رو به نظر می‌رسد ویژگی شخصیتی روان‌رنجورخویی بیشتر بر رابطه و تعاملات افراد با یکدیگر اثر گذاشته و احتمال گرایش به سمت طلاق را افزایش می‌دهد. به عبارت دیگر روان‌رنجورخویی بالا ممکن است به طور غیرمستقیم و از طریق افزایش نارضایتی از زندگی زناشویی، طلاق را به رابطه زندگی زوجین تزیق نماید. نتایج به دست آمده در خصوص عامل تجربه‌گرایی را نیز می‌توان بر اساس نظر مک‌کری و همکاران (۲۰۰۴) این‌گونه توجیه کرد که تجربه‌گرایی باعث می‌شود زوجین در حل مشکلات و تعارضات خود خلاقیت بیشتری به کار برده و از راهبردهای مقابله‌ای انعطاف‌پذیرتر و فعال‌تری در حل مشکلات استفاده نمایند.

پژوهش‌ها نشان داده‌اند که تجربه‌گرایی به ایجاد رضایت جنسی بیشتر در زوجین منجر شده و افزایش توجه به طرف مقابل را نیز در پی خواهد داشت (دوروس و همکاران، ۲۰۱۱). توافق‌پذیری نیز ویژگی شخصیتی دیگری است که با همدلی، همکاری، اعتماد و حمایت‌گری در روابط بین‌فردی همراه است و به واسطه توانایی ایجاد الفت و توافق در کنار توجه به انتظارات و تشابهات در هنگام بروز تعارض به سازگاری زناشویی بیشتر زوجین می‌انجامد و کاهش احتمال طلاق را در پی خواهد

داشت (اشمیت<sup>۴۶</sup>، ۲۰۰۴). سرانجام ویژگی باوجدان بودن نیز در زوجین متقاضی و غیرمتقاضی طلاق تفاوت دارد. از آنجایی که بهترین مفهوم برای این بعد شخصیت «اراده» است، افراد باوجدان، اراده بالایی داشته، موفقیت‌های تحصیلی و شغلی بیشتری کسب کرده و به دنبال آن تنش‌های کمتری را تجربه می‌کنند. این افراد کمتر در معرض تنش، فشار و تعارض‌های زناشویی قرار گرفته و به دلیل التزام به اصول اخلاقی، احتمالاً گرایش و تمایل کمتری به طلاق نشان می‌دهند.

در پژوهش حاضر کارکرد خانواده زوجین متقاضی و غیرمتقاضی طلاق نیز با یکدیگر مقایسه و نقش آن در تقاضای طلاق بررسی شد. نتایج نشان داد که بین زوجین متقاضی و غیرمتقاضی طلاق در خرده‌مقیاس‌های حل مسئله، نقش‌ها، کنترل رفتار و کارکرد کلی خانواده ارتباط معناداری وجود دارد. این یافته با پژوهش‌های بخشی‌پور و همکاران، ۱۳۹۱؛ سوزان، کیت و ریچل<sup>۴۷</sup>، ۲۰۰۶ و آلکرناوی، ۲۰۱۰ همسو است. به طور کلی کارکرد سالم در خانواده با توانایی اعضا در هماهنگی با یکدیگر، پذیرش نقش‌ها، حل تضادها و تعارض‌ها و کنترل رفتارهای مخرب ارتباط مستقیم دارد. بر مبنای این خصوصیات هر چقدر زوجین کارآمدتر عمل کنند، روابط زناشویی بهتر و منسجم‌تری را تجربه خواهند کرد که این امر از تعارض‌های زناشویی و گرایش به سمت طلاق می‌کاهد. به این ترتیب کارآمد بودن زوجین در هریک از سازه‌های کارکرد خانواده می‌تواند به عنوان سپری محافظ در برابر عوامل ایجادکننده تعارض عمل کرده و از گرایش به سمت طلاق جلوگیری نماید.

بنابراین همان‌طور که یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد، ویژگی‌های شخصیتی، طرحواره‌های ناسازگار اولیه و کارکرد خانواده هر یک به تنهایی متغیرهایی هستند که می‌توانند در گرایش زوجین به سمت طلاق نقش داشته باشند، اما باید گفت که انحلال خانواده و زندگی زناشویی تنها یک رخداد تک‌متغیری و خطی نیست، بلکه فرآیندی چندمتغیری است. در اصل مجموعه‌ای از عوامل به هم می‌پیوندند و با هم شبکه‌ای پیچیده تشکیل می‌دهند که تحت عنوان عوامل تهدیدکننده خانواده از آن‌ها یاد می‌شود. این عوامل به همراه یکدیگر، پیش‌بینی‌کننده انحلال زندگی زناشویی و در نهایت طلاق است. وجود طرحواره‌های ناسازگار اولیه و باورهای ناکارآمد فعال، به همراه طیفی از ویژگی‌های شخصیتی که تاب‌آوری فرد را در برابر تنش‌ها و فشارهای زندگی زوجی کاهش می‌دهد، در تعامل با کارکرد خانواده - در یک طیف سالم تا ناسالم - شبکه‌ای پیچیده تشکیل می‌دهند که بر گرایش زوج به سمت طلاق اثر می‌گذارد.

سرانجام این پژوهش نیز مانند سایر پژوهش‌ها با محدودیت‌هایی مانند استفاده از ابزارهای خودگزارشی و عدم وجود مکان ثابتی برای پرسش‌نامه توسط شرکت‌کنندگان همراه بود که ممکن است بر نتایج اثر بگذارد. هم‌چنین به دلیل محدود بودن امکانات مالی و زمان، امکان بررسی سایر علل محتمل پیش‌بین برای تقاضای طلاق وجود نداشت. پیشنهاد می‌شود سایر علل گرایش افراد به طلاق نیز در یک پژوهش و به همراه یکدیگر مورد بررسی قرار گیرد تا بتوان از تعامل بین

آن‌ها شناخت بیشتری به دست آورد. هم‌چنین پیشنهاد می‌شود سنجش و ارزیابی ویژگی‌های شخصیتی و طرحواره‌های ناسازگار اولیه قبل از ازدواج در دستور کار مراکز بالینی و مشاوره‌ای قرار گیرد و تلاش گردد تا با آموزش زوجین، توانایی آن‌ها در مؤلفه‌هایی که منجر به کارکرد سالم خانواده می‌شوند، افزایش یابد و از بروز تعارض زناشویی و گرایش به سمت طلاق تا حد امکان پیشگیری شود.

### پی‌نوشت‌ها

1. Daye
2. Panahifar, Yousefi & Amani
3. Amato
4. Organization for Civil Registration of Iran
5. Yong & Long
6. Dorros, Hanzal & Segrina
7. Provencher, Begin, Girouard, Tremblay, Boivin & Lemieux
8. Furnham
9. Shahmoradi, Fatehi zadeh & Ahmadi
10. Bouchard, Lussire & Sabourin
11. Attitudes, Thoughts and Schemas
12. Dumitrescu & Rusu
13. Early maladaptive schema
14. Young & Brown
15. Falah Chay, Zarei & Normandy Pour
16. Yousefi
17. Pascal, Christine & Jean
18. Al-Krenawi
19. Sanai Zaker
20. Bakhshipour, Asadi, Kiani, Shiralipour & Ahmaddoost
21. Tabachnic & Fidell
22. NEO Five Factor Personality Inventory
23. Costa, McCrae, Martin, Oryol, Rukai-shnikov, Senin & et al.
24. Garusi Farshi
25. Young Schema Questionnaire
26. Divandari, Ahi, Akbari & Mahdian
27. Family Assessment Device
28. Epstein, Chen & Beyder-Kamjou
29. Najarian
30. Pour Abbas
31. Hatammii & Fadayi
32. Jafari Nadoshan, Zare, Hoseini, Poor Salehi & Zini
33. Manzary, Makvandi & Khajevand Khoshli
34. Hamamci
35. Stiles
36. Epstein & Baucom
37. Yousef Nezhad Shirvani & Peyvasteagar
38. Weiser & Weigel
39. Asgari, Hafezi & Jamshidi
40. Rogge, Brudbury, Hahlweg & Thurmaier
41. Shackelford, Besser & Goetz
42. Donnellan, Conger & Bryant
43. Kenneth & Stephanie
44. Diener, Eunkook, Richard & Smith
45. Behrouz, Mohammadi, Aliabadi, Kajbaf, Heidarzadeh & Behrouz
46. Schmitt
47. Susan, Keith & Rachel

### منابع

بخشی‌پور، ب.، اسدی، م.، کیانی، ا.، شیرعلی پور، ا. و احمددوست، ح. (۱۳۹۱). رابطه عملکرد خانواده با تعارض زناشویی زوج‌های در آستانه طلاق. *دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی*، ۱۳(۲)، ۲۱-۱۱.

بهروز، ب.، محمدی، ف.، علی‌آبادی، ش.، کجیاف، م. ب.، حیدری‌زاده، ن. و بهروز، ب. (۱۳۹۳). مقایسه ویژگی‌های شخصیتی و سبک‌های اسنادی در زوج‌های عادی و متقاضی طلاق. *دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی*، ۱۵ (۱)، ۵۲-۶۱.

ثنائی ذاکر، ب. (۱۳۷۹). *مقیاس‌های سنجش خانواده و ازدواج*. تهران: بعثت.

دیوانداری، ح.، آهی، ق.، اکبری، ح.، مهدیان، ح. (۱۳۸۸). فرم کوتاه پرسشنامه طرحواره یانگ: بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی و ساختار عاملی بین دانشجویان. *پژوهشنامه تربیتی*، ۵ (۲۰)، ۱۰۳-۱۳۳.  
سازمان ثبت احوال کشور (۱۳۹۴). *طلاق‌های ثبت شده در سال‌های مختلف*. برگرفته از:

<http://www.sabteahval.ir/Default.aspx?tabid=4773>

عسگری، ب.، حافظی، ف. و جمشیدی، ث. (۱۳۸۹). رابطه سبک اسناد و ویژگی‌های شخصیتی با رضایت از زندگی زناشویی در پرستاران زن شهر ایلام. *فصلنامه زن و فرهنگ*، ۱ (۳)، ۳۳-۱۷.  
گروسی فرشی، م. ت. (۱۳۸۰). *رویکردی نوین در ارزیابی شخصیت (کاربرد تحلیل عاملی در مطالعات شخصیت)*. تبریز: جامعه پژوه، دانیال.

نجاریان، ف. (۱۳۷۴). *عوامل مؤثر بر کارآیی خانواده: بررسی روان‌سنجی مقیاس سنجش خانواده*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن.

یوسف نژاد شیروانی، م. و پیوستگار، م. (۱۳۹۰). رابطه رضایت از زندگی و طرحواره‌های ناسازگار اولیه در دانشجویان. *دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی*، ۱۲ (۲)، ۶۵-۵۵.

یوسفی، ن. (۱۳۹۰). مقایسه اثربخشی دو رویکرد خانواده درمانی مبتنی بر طرحواره درمانی و نظام عاطفی بیون بر طرحواره‌های ناسازگار اولیه در مراجعان متقاضی طلاق شهر سقز. *اصول بهداشت روانی*، ۱۳ (۵۲)، ۳۷۳-۳۵۶.

Al-Krenawi, A. (2010). A study of psychological symptoms, family function, marital and life satisfactions of polygamous and monogamous women: The Palestinian case. *International Journal of Social Psychiatry*, 58(1), 79-86.

Amato, P. R. (2010). Research on Divorce: Continuing Trends and New Developments. *Journal of Marriage and Family*, 72, 650-666.

Asgari, P., Hafezi, F., & Jamshidi, S. (2010). [Relationship between Attribution Style and Personality Characters with Marital Satisfaction among Female Nurses of Ilam City]. *Journal of Women and Culture*, 1(3), 17-33 [in Persian].

Bakhsipour, B., Asadi, M., Kiani, A. R., Shiralipour, A., & Ahmaddoost, H. (2012). [The Relationship between Family Function and Marital Conflict in Couples who had Decided to get Divorced]. *Knowledge & Research in Applied Psychology*, 13(2), 10-19 [in Persian].

Behrouz, B., Mohammadi, F., Aliabadi, Sh., Kajbaf, M. B., Heidarizadeh, N., & Behrouz, B. (2014). [A Comparison between Personality Traits and Attribution Styles of Normal Couples and Divorce Petitioners]. *Knowledge & Research in Applied Psychology*, 15(1), 52-61 [in Persian].

Bouchard, G., Lussire, Y., & Sabourin, S. (1999). Personality and marital adjustment: Utility of five factor model of personality. *Journal of Marriage and Family*, 61(3), 651-660.

Costa, P. T., McCrae, R. R., Martin, T. A., Oryol, V. E., Rukaishnikov, A. A., Senin, I. G., Hrebickova, M., & Urbanek, T. (2004). Consensual Validation of Personality Traits across Culture. *Journal of Research in Personality*, 38, 179-201.

- Daye, R. (2003). *Introduction to Family processes*. London: Lawrence Erlbaum Association, Inc.
- Diener, E. D., Eunkook, M. S., Richard, E. L., & Smith, H. L. (2007). Subjective well-being: Three decades of progress. *Psychological Bulletin*, *125*(2), 276-302.
- Divandari, H., Ahi, G., Akbari, H., & Mahdian, H. (2009). [Young Schema Questionnaire-Short Form: Review of Psychometric Properties and Factor Analysis among University Students]. *Pazhouhesh-Nameye Tarbiati*, *5*(20), 103-133 [in Persian].
- Donnellan, M. B., Conger, R. D., & Bryant, C. M. (2005). Erratum to the big five and enduring marriages. *Journal of Research in Personality*, *39*(1), 206-207.
- Dorros, S., Hanzal A., & Segrina, C. (2011). The big five personality traits and perceptions of touch to intimate and non-intimate body regions. *Journal of Research in Personality*, *42*, 1067-1073.
- Dumitrescu, D., & Rusu, A. S. (2012). Relationship between early maladaptive schemas, Couple satisfaction and individual mate value: An evolutionary psychological approach. *Journal of evidence – based psychotherapies*, *12*(1), 63-70.
- Epstein, N. B., & Baucom, D. H. (1996). A cognitive-behavioral approach to couples' problems: A program of research and its clinical applications. In W. Dryden (Ed.), *Research in counselling and psychotherapy: Practical applications* (pp. 133-161). Thousand Oaks: Sage.
- Epstein, N. B., Chen, F., & Beyder-Kamjou, I. (2005). Relationship standards and marital satisfaction in Chinese and American couples. *Journal of Marital and Family Therapy*, *31*(1), 59-74.
- Falah Chay, R., Zarei, E., & Normandy Pour, F. (2014). Investigating the relationship between maladaptive schemas and marital satisfaction in mothers of primary school children. *Journal of life science & biomedicine*, *4*(2), 119-124.
- Furnham, A. (2008). Relationship among four big five measures of different length. *Psychological Reports*, *102*, 312-316.
- Garusi Farshi, M. T. (2001). [A new approach in Personality Assessment: Using Factor Analysis in studies of Personality]. Tabriz, Iran: Jameh Pazhuh, Danial [in Persian].
- Hamamci, Z. (2005). Dysfunctional relationship beliefs in marital satisfaction and adjustment. *Social behavior and personality: an international journal*, *33*(4), 11-20.
- Hatammii, M., & Fadayi, M. (2015). Effectiveness of Schema Therapy in Intimacy, Marital Conflict and Early Maladaptive Schemas of Women Suing for Divorce. *International Journal of Advanced Biological and Biomedical Research*, *3*(3), 285-290.
- Jafari Nadoshan, A., Zare, H., Hoseini, A., Poor Salehi, M., & Zini, M. (2015). [Evaluation and comparison of the divorced women mental health and compliance and cognitive emotion regulation with married women in Yazd city]. *Journal of Women and Society*, *6*(2), 1-16.
- Kenneth, R. O., & Stephanie, N. (2007). Five-factor Personality Similarity and marital adjustment. *Social Behavior and Personality: An International Journal*, *27*(3), 309-314.
- Manzary, L., Makvandi, B., & Khajevand Khoshli, A. (2014). Comparison between Maladaptive Schemas, Marital Conflicts and Sexual Satisfaction in Nearly-Divorced, Divorced and Normal Individuals. *Journal of Psychology & behavioral studies*, *2*(1), 39-49.



- Najarian, F. (1995). *Effective Factors on Family Function: Review of Psychometric Properties of Family Assessment Device*. Master Dissertation in Counseling, Islamic Azad University, Roudehen Branch [in Persian].
- Organization for Civil Registration of Iran (2015). *Registered Divorces in Different Years*. Retrieved from: <http://www.sabteahval.ir/Default.aspx?tabid=4773> [in Persian].
- Panahifar, S., Yousefi, N., & Amani, A. (2014). The effectiveness of schema-based couple therapy on early maladaptive schemata adjustment and the increase of divorce applications adaptability. *Journal of business & management review*, 3(9), 339-345.
- Pascal, A., Christine, A., & Jean, L. (2008). Development and validation of the Cognitive Inventory of Subjective Distress. *International Journal of Geriatric Psychiatry*, 23, 1175-1182.
- Pour Abbas, S. (2016). Investigating the relationship between the early maladaptive schema& marital satisfaction among 25 to 45 years-old couples. *International Journal of Humanities and Cultural Studies, Special Issue*, 665-676.
- Provencher, V. C., Begin, M. P. G., Girouard, A., Tremblay, S., Boivin, S., & Lemieux, S. (2008). Personality traits in overweight and obese women: Associations with BMI and eating behaviors. *Eating Behaviors*, 9(3), 294-302.
- Rogge, R. D., Brudbury, T. N., Hahlweg, K. E. G., & Thurmaier, F. (2006). Predicting marital distress and dissolution: Refining the two-factor hypothesis. *Journal of Family Psychology*, 20(1), 156-159.
- Sanai Zaker, B. (2000). [*Family and Marriage Scales*]. Tehran: Besat [in Persian].
- Schmitt, D. P. (2004). The Big Five Related to Risky Sexual Behavior Across to World Regions: Differential Personality Associations of Sexual to Promiscuity and Relationship Infidelity. *European Journal of Personality*, 18(4), 301-319.
- Shackelford, T. K., Besser, A., & Goetz, A. T. (2008). Personality, Marital Satisfaction and Probability of Marital Infidelity. *Journal of Individual Differences Research*, 6, 13-25.
- Shahmoradi, S., Fatehi zadeh, M., & Ahmadi, S. A. (1390). Marital conflict predicted by personality characteristic, psychology and demographic couples. *Journal of Knowledge & Research in Applied Psychology*, 12(43), 33-44.
- Stiles, O. E. (2004). *Early maladaptive schemas and intimacy in young adult's romantic relationships*. Unpublished doctoral dissertation, Alliant International University, San Francisco.
- Susan, J. C., Keith, S. D., & Rachel, M. (2006). Marital Problem solving behavior in depression and marital distress, *Journal of abnormal psychology*, 115, 20-38.
- Tabachnic, B. G., & Fidell, L. S. (2007). *Using Multivariate Statistics*. New York: Pearson Education, Inc.
- Weiser, D. A., & Weigel, D. J. (2015). Investigating experiences of the infidelity partner: Who is the "Other Man/Woman"? *Personality and Individual Differences*, 85, 176-181
- Yong, E. M., & Long, L. (1998). *Counseling and Therapy for Couples*. New York: International Thomson Publishing Company.
- Young, J. E., & Brown, G. (2001). *Young Schema Questionnaire: Special Edition*. New York: Schema Therapy Institute.

- Yousefi, N. (2011). [Comparison of the Effectiveness of Family Therapy Based on Schema Therapy and Bowen's Emotional System Therapy on the early maladaptive schema Among Divorce Applicant Clients]. *Journal of Fundamentals of Mental Health, 13(52)*, 356-373 [In Persian].
- Yusef Nezhad Shirvani, M., & Peyvastegar, M. (2011). [The relationship between life satisfaction and early maladaptive schemas in university students]. *Knowledge and Research in Applied Psychology, 12(2)*, 55-65 [In Persian].